

## تقلب در جعل اسناد

ابولحسن شاکری\*

زهرا رضایی سراجی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۵

### چکیده

عناصر تقلب در جعل اسناد؛ استناد، برخلاف حقیقت، انتساب به غیر، قابلیت فریب و اضرار است. با لحاظ «قصد تقلب» در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. این جرم، مقید به نتیجه نیست ولی وجود و احراز قصد خاص ضرر و قابلیت وقوع آن، لازم است. موضوع تقلب در جعل پیام سند فی نفسه جعل نیست مگر این که مثبت یا منکر حق یا تکلیفی باشد. جعل دست کاری برخلاف حقیقت و فریبنده ظاهر و مفاد مدرکی است که دارای سندیت باشد. لذا کسر یا گذاردن یک حرف، کلمه یا امضا روی کارتهای الکترونیکی به منظور استفاده، جعل نیست مگر آن زمان که مورد استفاده واقع شوند.

**کلیدواژگان:** برخلاف حقیقت، انتساب، جعل، اسناد.

### مقدمه

در موارد بسیاری، افراد در اجتماع برای تنظیم روابط خود از اسناد استفاده می کنند. افزایش روزافزون استفاده از اسناد در روابط مردم، مستلزم اعتماد آنها نسبت به صحت و اعتبار این اسناد می باشد. عموماً نظام های حقوقی به منظور تامین این مصلحت اجتماعی، جعل را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین کرده اند. قانون گذار ایران نیز در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) به تعیین مصادیق جعل پرداخته و در مواد آتی آن (۵۲۴-۵۴۲) حسب نوع اسناد و یا شخصیت رسمی جاعل،

---

\* دکتری حقوق جزا و جرم شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول).  
shakri\_criminallaw@yahoo.com

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی.

به تعیین مجازات اقدام کرده است. به موجب ماده ۵۲۳ ق.ا.م.ا. جعل و تزویر عبارت است از: «ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته‌ی دیگر یا به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه‌ی صاحب آن و نظایر این‌ها به قصد تقلب»، به طوری که بدون آن (قصد تقلب) جعل واقع نمی‌شود.

قصد و تقلب از مفاهیم اصلی جعل هستند که باید در ابتدا تبیین شوند. در مواد مختلفی از ق.ا.م.ا. از واژه‌ی قصد استفاده شده است که دلالت و فرع بر عمدی بودن جرم دارد. برای تحقق قصد مجرمانه، به علم و اراده‌ی رفتار مجرمانه و خواست نتیجه نیاز داریم. مقصود از علم، آگاهی مرتکب به غیر قانونی بودن عمل ارتكابی می‌باشد که عموماً در غالب جرایم مفروض است و هم آگاهی او به اوصاف عناصر مادی جرم ارتكابی است که نیاز به اثبات دارد.<sup>۱</sup> مقصود از اراده، انشاء رفتار مجرمانه در عالم واقع است. برخی جرایم عمدی با صرف علم و اراده به رفتار مجرمانه محقق می‌گردد، مانند جرم فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۰۰ ق.ا.م.ا.)، اما در برخی جرایم علاوه بر علم و اراده، به قصد خاص نیز نیاز داریم که انتظار اثر رفتار مجرمانه می‌باشد.

تقلب در نفس خود متضمن قصد خاص هم است، یعنی مرتکب تقلب، با علم و اراده و قصد خاص مرتکب جرم می‌شود. «تقلب در لغت به معنای دگرگون شدن، در کاری به سود خود و زیان دیگری تصرف کردن، نادرستی و دغل است».<sup>۲</sup> قانون‌گذار به صراحت، در برخی مواد قانونی مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و یا به صورت ضمنی، در مواد خاصی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مانند ماده ۵۱۸ به تقلب اشاره دارد. با این لحاظ تقلب ممکن است وصف رفتار مجرمانه باشد، که در کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری این چنین است؛ یا وصف وسیله‌ی جرم باشد که در مسکوکات تقلبی موضوع ماده ۵۱۹ ق.ا.م.ا. و مواد خوراکی تقلبی، موضوع ماده ۱ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و اسناد تقلبی موضوع ماده ۵۲۳ ق.ا.م.ا. این چنین است.

<sup>۱</sup> اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸، چاپ ۲۱، ص ۲۳۵.

<sup>۲</sup> عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، چاپ ۱۸، ص ۶۰۲.

جعل اسناد با دیگر جرایم که تقلب از مقومات آن‌هاست، از جهت تقلب، تشابه زیادی دارد، اما باید توجه داشت موضوع این مقاله «تقلب در جعل اسناد» می‌باشد که متضمن عناصر متمایزی از این جرایم است. البته تقلب مفهومی گسترده‌تر از اسناد تقلبی است. هر تقلبی جعل نیست، اما برای تحقق جرم جعل، به تقلب نیاز داریم. در واقع اگر سند متقلبانه ساخته شده باشد، عمل ارتكابی جعل است، زیرا ماده ۵۲۳ ق.م.ا. جعل را مقید به قصد تقلب دانسته است. در این خصوص پرسش‌های زیر مطرح است: ۱- عناصر تقلب در جعل اسناد چیست؟ ۲- آیا تصاویر می‌توانند موضوع تقلب قرار گیرند؟ ۳- چرا قانون‌گذار ۱۳۷۵ برخی جرایم مثل تصدیق خلاف واقع یا شرکت در آزمون به جای داوطلب اصلی را جعل ندانسته، اما ذیل فصل پنجم تحت عنوان جعل و تزویر آورده است؟

پاسخ به این پرسش‌ها و دیگر مباحث مرتبط را ضمن عناصر مقوم تقلب در جعل اسناد به شرح زیر بررسی می‌کنیم:

۱- استناد؛ ۲- برخلاف حقیقت؛ ۳- انتساب به غیر؛ ۴- فریب؛ و ۵- اضرار که با لحاظ قصد تقلب، این موارد باید با علم و اراده واقع شود و تحقیقا در صورت عدم تحقق یا عدم احراز یکی از آن‌ها، جرم جعل منتفی است.

### ۱- استناد (سندیت)

منظور از استناد، قابلیت اثبات یا نفی حق یا تکلیفی علیه شخصی در سند است. سند طبق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی نوشته‌ای است که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد؛ لذا اگر مرتکب صرفاً در گوشه‌ای از سند نقطه یا حرفی بگذارد که موید هیچ پیامی نباشد، نمی‌توان برای آن سندیت قائل شد و آن را تقلب و جعل دانست. حتی صرف ساختن امضای یک مقام رسمی روی کاغذ سفید چون به تنهایی توان اثبات حق یا تکلیفی را ندارد ولو اگر مرتکب، این امضا را روی سربرگ ساختگی منتسب به اداره‌ای رسمی ایجاد کرده باشد، مشمول همین حکم است. البته می‌توان این موارد را شروع به جعل و طبق ماده ۵۴۲ ق.م.ا. جرم دانست، زیرا مرحله‌ی بعدی، استفاده از این سربرگ ممضی به امضای منتسب به مقام رسمی، ساختن پیام تقلبی و جعلی خواهد بود. متقابلاً اگر هر نقطه، حرف یا کلمه یا حتی عباراتی صریح یا ضمنی اشاره به پیام خاصی برای اثبات حق یا تکلیف علیه شخصی داشته باشد، جعل واقع می‌گردد اعم از آن که

جاعل در دادگاه یا در هر مرجع رسمی یا غیر رسمی بخواهد یا نخواهد از آن استفاده کند، زیرا طریق استعمال و استفاده از اسناد منحصر به ابراز آن در دادگاه‌ها و ادارات دولتی نیست.<sup>۱</sup>

آنچه برای اثبات یا انکار حق یا تکلیف موجب ایجاد یا تغییر پیامی در سند می‌شود در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ذکر شده است. بعضی از موارد شایع، چون تخریب (کنندن) بخشی از سند یا ساخت علامت، در این ماده قید نشده که با لحاظ عبارت «نظایر این‌ها» در انتهای این ماده، باید گفت: تخریب بخشی از سند، به شرحی که پیام سند را تغییر دهد، داخل در نظایر این‌ها و جعل است والا ممکن است، مشمول عنوان جرم دیگری باشد. برای برخی دیگر از مصادیق مثل ساخت علامت شرکت‌های دولتی، قانون‌گذار مستقل از ماده مزبور، این عمل را در ماده ۵۲۵ ق.م.ا. جرم جعل دانسته است که از این جهت، باید گفت: ساختن نظیر علامت شرکت‌های دولتی یا حتی ساخت علامت‌های شرکت‌های خصوصی «در سند»، جعل نخواهد بود، هرچند این علایم متضمن پیام خاصی باشد که هرگز منظور منتسب‌الیه سند نیست؛ زیرا این عمل، برای جرم دانستن فاقد مستند قانونی است. مضافاً این که ساخت یا تغییر هر پیام تقلبی که در قالب سند نباشد، جعل نیست، مثل استفاده از نشان نیروهای نظامی با تغییر یا بدون تغییر که جعل نیست؛ هرچند ممکن است جرم موضوع ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی واقع شده باشد.

### ۱-۱- تحریف در سند باطل

شعبه ۲ دیوان عالی کشور در رای ۷۸۲- مورخ ۱۳۱۸/۴/۱۱ مقرر داشته است: «اگر کسی برگ پروانه‌ی رانندگی دیگری را که مدت اعتبار آن گذشته باشد و به هیچ‌وجه قابل استناد و استفاده نباشد تغییر داده و آن را به نام خود کند، عمل او را نمی‌توان جعل در سند یا نوشته‌ی رسمی به منظور مذکور در مواد مربوطه به جعل و تزویر دانست».<sup>۲</sup>

این رای از این جهت قابل نقد است که برخلاف متن رای، هم‌چنان این پروانه، عرفاً، به

<sup>۱</sup> متین، احمد، مجموعه رویه قضایی (قسمت کیفری) - مجموعه آرای شعب و هیات عمومی دیوان عالی کشور، رای شماره ۱۱۵۰ شعبه ۲ دیوان عالی کشور، تهران: آفتاب، ۱۳۳۰، ص ۱۸۸.

<sup>۲</sup> مصالایی، علیرضا، قانون مجازات اسلامی در آرای دیوان عالی کشور، تهران: نشر آیلا، چاپ ظفر، چاپ ۲، ۱۳۸۱، ص ۲۰۸.

عنوان کارت شناسایی، قابلیت استناد و استفاده را دارد و انقضای مهلت اعتبار پروانه موجب نمی‌شود صاحب پروانه در ردیف رانندگانی قرار گیرد که اساساً برای آن‌ها پروانه‌ی رانندگی صادر نشده است، بلکه صرفاً صاحب پروانه‌ی منقضی شده، در ردیف رانندگانی قرار می‌گیرد که پروانه به همراه ندارند و رفتار وی تخلف و موجب جریمه است. مضاف این که جعل نام خود در پروانه‌ی رانندگی دیگری، حکایت از آن دارد که این پروانه را قبلاً دولت صادر کرده بود و می‌تواند عرفاً، قابلیت‌های متعددی داشته باشد که از جمله آن مجوز رانندگی است و تحقیقاً انقضای مهلت اعتبار آن، سلب مجوز رانندگی و نفی دیگر قابلیت‌های این پروانه نیست. مردم نیز نوعاً این اسناد را به عنوان اسناد صحیح و اصیل قلمداد می‌نمایند و مطابق قاعده فقهی «مایضمن بالصحیحه یضمن بفاسده»<sup>۱</sup> هرآن‌چه صحیحش ضمان‌آور است، باطل آن نیز ضمان‌آور است، لذا جعل در پروانه‌ی رانندگی منقضی شده، تأثیری در سندیت آن ندارد.

## ۲-۱- جعل در تصویر

تصویرها به طور وسیعی در جامعه‌ی ما مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ و حتی در دادگاه‌ها ممکن است به عنوان دلیل به آن‌ها استناد شود.<sup>۲</sup> این در حالی است که با پیشرفت هرروزه‌ی فناوری‌های مختلف، دست‌کاری تصاویر (تغییر اندازه، مقیاس‌سازی، الحاق، حذف و...) بسیار آسان است.<sup>۳</sup> در ماده ۷۴۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۹۲، تحریف تصاویر در صورتی که موجب هتک حیثیت فرد گردد جرم تلقی شده است؛<sup>۴</sup> اما اگر مرتکب، تصویری را نه به هدف هتک حیثیت

<sup>۱</sup>. الموسوی خویی، سیدابولقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، جلد ۳، بیروت: دار الهادی، چاپ ۱، ۱۹۹۲، ص ۲۴۹.

<sup>۲</sup>. Mahdian, Babak Stanislav Saic T., Detection of Copy–Move Forgery Using A Method based on Blur Moment Invariants, Elsevier, Forensic Science International, 2007, p. 180.

<sup>۳</sup>. Gopi, E.S., Digital Image Forgery Detection Using Artificial Neural Network and Independent Component Analysis, Elsevire, Applied Mathematics and Computation, 2007, p. 540.

<sup>۴</sup>. ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای: «هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال حبس و یا جزای نقدی از ۵ تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

بلکه با هدف ضرر دیگری، تحریف کند آیا می‌توان آن را مشمول تقلب در سند دانست و جرم جعل تلقی نمود؟ ماده ۵۲۳ ق.م.ا. جعل را ساختن سند یا نوشته یا مهر یا امضا معرفی کرده است، آیا تصویر نوعی سند است؟ و یا با استفاده از عبارت «نظایر این‌ها» تصویر نظیر سند است؟ «سند واژه‌ای عربی است به معنی تکیه‌گاه و نیز آن‌چه که بتوان به آن اعتماد کرد»<sup>۱</sup>. با توجه به این معنی، اسناد لزوماً مکتوبات نیستند؛ هرچند قانون‌گذار در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی<sup>۲</sup> بر نوشته بودن سند تاکید نموده است که باید گفت این ماده، معنی خاص سند را بیان می‌کند. اگر اصطلاح سند را با لحاظ فرهنگ و موازین عرفی و لغوی در معنای عام در نظر بگیریم، سند عبارت از هر تکیه‌گاه و راهنمای مورد اعتماد است که بتواند اعتماد دیگران را به درستی ادعا جلب کند<sup>۳</sup>. از این رو سند یعنی دلیل ادعا که نباید غیر حقیقی باشد و شامل هر چیزی می‌شود که در دادگاه برای اثبات ادعا یا انکار آن قابل استناد است؛ از این جهت اعم از نوشته و تصویر و عکس است. مضافاً این که قانون ایران در جرم‌انگاری جعل، ترجمه‌ای از قانون جزای فرانسه<sup>۴</sup> است. قانون جزای فرانسه مصوب ۱۸۱۰ از واژه‌های «actes, écritures» استفاده کرده که از نظر لغوی افاده‌ی معنی مدرک می‌کنند<sup>۵</sup> که اعم از نوشته است. همچنین قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ به موجب ماده ۱-۴۴۱ تغییر در هر وسیله‌ی بیان اندیشه را که بتواند به عنوان دلیل مورد استفاده قرار بگیرد، جعل دانسته است.

در حقوق انگلستان نیز به این مهم توجه شده است. ماده ۱ قانون جعل انگلستان مصوب ۱۹۸۱ در تعریف جعل، از واژه‌ی «Instrument» استفاده کرده و در ماده ۸ این قانون مصادیق این واژه بیان شده است: «منظور از این واژه: ۱- هر سند، خواه از اشخاص رسمی باشد خواه از

<sup>۱</sup>. الجسر الواطی، سن الفیل، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت: المکتبه المشرقیه، چاپ ۱۴، ۲۰۰۵، ص ۳۵۴.

<sup>۲</sup>. ماده ۱۲۸۴ ق.م.ا. «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد».

<sup>۳</sup>. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ ۴، ۱۳۸۵، ص ۲۷۵.

<sup>۴</sup>. Article 145: «Tout fonctionnaire ou officier public qui, dans l'exercice de ses fonctions, auracommisun faux, Soit par fausses signatures, Soit par altération des actes, écritures ou signatures, Soit par supposition de personnes, Soit par des écritures faites ou intercalées sur des registres ou d'autres actes publics, depuis leur confection ou clôture, serq puni des trqvqux forces qperpetuite».

<sup>۵</sup>. J.E. Mansion, M.A., London, Harraps New Standard French and English Dictionary, 1974, p. e:10,a:13.

اشخاص غیر رسمی؛ ۲- هر تمبری که توسط اداره پست فروخته یا صادر شده است؛ ۳- هر تمبر مالیاتی؛ ۴- هر دیسکت، نوار، تراک صوتی و هر ابزار دیگر که اطلاعات در آن ذخیره شود یا با وسایل ماشینی یا الکترونیکی دیگر ذخیره می‌شود<sup>۱</sup>. تصاویر الکترونیکی، داده‌ها و اطلاعات الکترونیکی هستند که در سی‌دی (cd) و نوار قابل ذخیره شدن هستند. باوجود این که تصویر ابزار نیست، اما تصاویر ذخیره شده در این ابزارها مورد تحریف واقع می‌شود.

همچنین در مجموعه قوانین ۱۹۹۵ (ماده ۱۹) سند شامل موارد زیر اعلام شده است:

«۱- هر کاغذ یا چیز دیگر که روی آن نوشته، علامت، یا نماد وجود دارد که دارای معنا برای

اشخاص یا ماشین باشد.

۲- دیسکت، نوار یا هر چیز دیگری از صدا یا تصویر یا پیام که تولید می‌شود.

۳- برگه‌های طلب.

۴- اسناد رسمی و غیر رسمی<sup>۲</sup>».

با این وصف، تصاویر در قالب سند تعریف شده و لذا می‌توانند موضوع جرم جعل قرار گیرند.

## ۲- برخلاف حقیقت

حقیقت آن چیزی است که باید باشد و منظور از برخلاف حقیقت، برخلاف آن چیزی است که باید باشد. در لغت تقلب و جعل متضمن برخلاف حقیقت است<sup>۳</sup>؛ اما در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. ذکر از «خلاف حقیقت» نشده، در حالی که در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ عبارت

<sup>۱</sup>. «(1) Subject to subsection (2) below, in this Part of this Act "instrument" means (a) any document, whether of a formal or informal character; (b) any stamp issued or sold by the Post Office; (c) any Inland Revenue stamp; and (d) any disc, tape, sound track or other device on or in which information is recorded or stored by mechanical, electronic or other means».

<sup>۲</sup>. «16-19.1 (1) In this Part: "document" includes: (a) any paper or other material on which there is writing or on which there are marks, symbols or perforations that are capable of being given a meaning by qualified persons qualified or machines; or (b) a disc, tape or other article from which sounds, images or messages are capable of being reproduced; or (c) a card by means of which credit or other property can be obtained; or (d) a formal or informal document».

<sup>۳</sup>. عمید، پیشین، ص ۶۹۲.

«برخلاف حقیقت» در تعریف جعل به کار رفته بود. این ماده مقرر می‌داشت: «جعل و تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگر برخلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی یا به قصد تقلب، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته‌ای به نوشته دیگری یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن».

با توجه این که قانون‌گذار در سال ۱۳۷۵ برای تعریف جعل از عبارت «برخلاف حقیقت» استفاده نکرده و به جای آن از عبارت «قصد تقلب» بهره گرفته است، آیا می‌توان گفت «برخلاف حقیقت» از عناصر جعل نیست؟ یا تقلب متضمن برخلاف حقیقت هم است؟ یا حقیقت مضاف به تقلب است «قلب حقیقت» و به قرینه حقیقت از تقلب حذف شده است؟

قانون ۱۸۱۰ فرانسه همچون قانون ایران به ذکر مفاهیمی از جعل پرداخته بود. مواد ۱۴۵، ۱۴۶، و ۱۴۷ مربوط به جعل اسناد، روش‌های قلب حقیقت را «تحریف متقلبانه‌ی مضمون یا تغییر شرایط سند»<sup>۱</sup> می‌دانستند که از این مفهوم برخلاف حقیقت مستفاد بود. قانون کیفری فعلی فرانسه مصوب ۱۹۹۲ که در ماده ۴۴۱-۱ جعل را تعریف نموده، به صراحت «تغییر متقلبانه حقیقت» را شرط تحقق جرم جعل دانسته است: «جعل عبارت است از هرگونه تغییر متقلبانه حقیقت که طبعاً بتواند ضرری را ایجاد کند؛ به هر نحو واقع شده باشد در یک نوشته یا هر وسیله‌ی بیان اندیشه دیگری یا هر وسیله‌ای که دلیل محسوب گردد، جعل و استفاده از سند مجعول مستوجب ۳ سال حبس و ۳۰۰۰۰۰ فرانک جزای نقدی است»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup>. Article 146: «Sera aussi puni des travaux forcés à perpétuité, tout fonctionnaire ou officier public qui, en rédigeant des actes de son ministère, en aura frauduleusement dénaturé la substance ou les circonstances, soit écrivant des conventions autres que celles qui auraient été tracées ou dictées par les parties, soit en constatant comme vrais des faits faux, ou comme avoués des faits qui ne l'étaient pas».

<sup>۲</sup>. «Constitue un faux toute alteration frauduleuse de la verite, de nature acuser un prejudice et qcco, plie par qulque moyen que ce soit, dans un escrit ou tout autre support dexprsion de la pensee qui peut avoir pour effet detablir la prevue dun droit ou dun fait ayant des consequence juridiques le faux et lusage de faux sont punis de tros ans demprisonnement et de 300000f damende».



در رویه قضایی آمریکا مقرر شده است: «جعل عبارت است از ساختن متقلبانه سندی<sup>۱</sup> که به آن چه وانمود می‌کند نمی‌باشد»<sup>۲</sup>.

قانون جعل انگلستان مصوب ۱۹۸۱ مقرر می‌دارد: «جعل عبارت است از ساختن مدرک<sup>۳</sup> متقلبانه به قصد این که جاعل یا شخص دیگر از آن استفاده کنند تا دیگری را اغوا نمایند آن را به عنوان اصل قلمداد نماید و از این طریق موجب ضرر غیر گردد»<sup>۴</sup>.

چنان که که ملاحظه می‌شود در مقررات کشورهای یادشده تقلب در حقیقت، مقوم جرم جعل است که از این مفهوم برخلاف حقیقت مستفاد است.

برخلاف حقیقت، در «اسناد» به سه شکل قابل تصور است:

الف- هم مفاد سند و هم شکل سند خلاف حقیقت باشد، مانند موردی که شخصی شناسنامه‌ای را جعل کند.

ب- صرفاً مفاد سند خلاف حقیقت، اما شکل سند صحیح باشد، مانند موردی که سردفتر اسناد رسمی در تنظیم سند رسمی برخلاف توافق طرفین مطلبی را بنویسد.

ج- مفاد سند مطابق حقیقت، اما شکل سند خلاف حقیقت باشد، مانند موردی که طلب‌کار سند مربوط به طلب خودش را گم می‌کند و به همان میزان طلب، سند می‌سازد.

در جعلی بودن اسناد منظور در بندهای الف و ب تردیدی نیست، اما در مورد بند ج این پرسش مطرح است که اگر مفاد سند صحیح اما شکل آن برخلاف حقیقت باشد آیا قلب حقیقت محقق شده است؟ در پاسخ برخی معتقدند وقتی فردی سند می‌سازد، هرچند مفاد سند مطابق

1. Document.

2. Atcommon-law: «The false making, with the intent to defraud, of a document which is not what it purports to be, as distinct from a document which is genuine but nevertheless contains a term or representation to be false». United States v. Hunt, 456 F.3d 1255, 1260 (10th Cir. 2006); Shumaker Elisabeth, A Clerk of Court, filed UNITED STATES COURT of APPEALS for the tenth circuit, 2009.

3. Instrument.

4. Forgery and Counterfeiting Act 1981: 1- «A person is guilty of forgery if he makes a false instrument, with the intention that he or another shall use it to induce somebody to accept it as genuine, and by reason of so accepting it to do or not to do some act to his own or persons prejudice ...».

حقیقت باشد، قلب حقیقت واقع شده است، زیرا چنین ادله‌ای در عالم واقع وجود نداشت و مرتکب ادله‌ی اثبات را خلق کرده است. «در واقع مرتکب با وجود داشتن حق، دلیل اثبات حق را خلق نموده است. وجود حق و وجود دلیل اثبات حق دو چیز متمایز از یکدیگر هستند»<sup>۱</sup>. این نظر از این جهت که وجود حق و دلیل اثبات حق را دو چیز متمایز از یکدیگر دانسته، قابل نقد است؛ با توجه به معنای حق که متضمن به همراه بودن دلیل اثبات آن هم است، نمی‌توان این دو را جدا از هم دانست. به عبارت دیگر کسی که از نظر حقوقی حقی دارد، دلیل اثباتش را هم به همراه دارد والا حق بدون دلیل، ادعایی بیش نیست. لذا باید با نگاه دیگری به این موضوع پرداخت: نخست به این موضوع با این فرض که اساسا سندی از ابتدا وجود نداشته، می‌پردازیم و سپس با این فرض که سندی وجود داشته، ولی از بین رفته بحث می‌کنیم:

۱- فرض کنید فردی حقیقتا مبلغی معین از دیگری طلب دارد، اما هرگز سندی برای اثبات آن در دادگاه نداشته است. وی متعاقبا به هر دلیل سندی دال بر طلب خود بر عهده‌ی بده‌کار می‌سازد. در این مثال اگر سند رسمی ساخته شده باشد جرم جعل واقع شده است، زیرا جاعل، ساختن آن را به دولت نسبت می‌دهد، در حالی که دولت هرگز چنین سندی را تنظیم نکرده است. از این جهت ذینفع تعقیب، دولت است و بده‌کار صرفا یک گزارش‌دهنده است. اما اگر سند ایجاد شده، عادی و در مقام بیان حقیقتی باشد که مفاد آن مصون از تردید و انکار بده‌کار است، جعل واقع نشده است، زیرا ظاهر سند هر چند برخلاف حقیقت است، اما چون فی‌نفسه استقلال و ارزش حقوقی ندارد و تابع متن و مفاد آن است، جعل نیست. البته اسناد تجاری همچون چک، سفته، و برات را باید از این قاعده استثنا کرد، زیرا شکل این اسناد نیز دارای ارزش قضایی است؛ مثلا اگر فردی به میزان طلبی که حقیقتا طلب‌کار است به نام بده‌کار چک بسازد، مرتکب جعل شده است، زیرا به واسطه‌ی تمبر در چک و نشر اوراق چک که منتسب به دولت است و او ساخت این چک را برخلاف حقیقت به دولت نسبت می‌دهد، جعل واقع شده است. حتی اگر چکی ساخته نشود، بلکه در چک بده‌کار، بدون جلب نظر وی مبلغ طلب نوشته شده و امضا شود، جعل ارتکاب یافته است، زیرا شکل اسناد تجاری دارای اعتبار و موجب امتیازات خاصی بیشتر از یک طلب در سند عادی است.

<sup>۱</sup>. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴، ص ۶۵۹.

۲- در فرض دیگر، فرد ابتدا سندی در جهت اثبات ادعای طلب خود داشته، اما به دلایلی این سند مفقود شده و یا از بین رفته است و وی در جهت اثبات ادعای خویش، سندی عادی می‌سازد. با توجه به توضیحات ذکر شده می‌توان گفت: در این فرض جعل واقع نشده است. اما ساختن سند رسمی شبیه سند رسمی مفقود شده، هرچند از نظر مفاد برخلاف حقیقت نباشد و خللی به حقوق و تکلیف طرفین وارد نکند، به جهت موضوعیت رعایت تشریفات خاص دولتی و ابطال تمبر، و اعتماد مردم به این نوع اسناد، سند رسمی بدون آن‌ها برخلاف حقیقت شمرده شده و ساختن آن جعل اسناد رسمی خواهد بود.

### تحقق برخلاف حقیقت در اسناد الکترونیکی

گسترش روزافزون استفاده از ابزارهای الکترونیکی و دیجیتالی، اعتبار و صحت اسناد و مدارک را بیش از پیش با خطر تحریف روبه‌رو کرده است. ابزارهایی چون رایانه، اسکنر، و پرینتر به دو روش ممکن است در وقوع جرم جعل به‌کار گرفته شوند:

۱- استفاده از آن‌ها در اسناد کاغذی، مانند اسکن امضای شخص در رایانه و سپس پرینت کردن آن بر روی برگ کاغذی.

۲- استفاده از آن‌ها در اسناد الکترونیکی، مانند تغییر داده‌ها شامل ارقام و یا نوشته‌های ذخیره شده در حساب‌های بانکی<sup>۱</sup>.

ماده ۷۳۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرکس به طور غیر مجاز مرتکب اعمال زیر شود جاعل محسوب و به حبس ۱ تا ۵ سال یا جزای نقدی ۲۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف- تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا واردکردن متقلبانه داده به آن‌ها؛

ب- تغییر داده‌ها یا علایم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها یا علایم به آن‌ها».

آیا با وجود ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیاز به تصویب ماده ۷۳۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۹۲ بوده است؟

<sup>۱</sup>. Grobosky, Peter, Technology, and Organized Crime, Asian Criminology, 2007, p. 148.

قانون‌گذار در قسمت پایانی ماده ۵۲۳ ق.م.ا. از عبارت «نظایر این‌ها» استفاده کرده که نشان از تمثیلی بودن موضوعات ذکر شده در این قانون دارد. از این‌رو همان‌گونه که ساختن سند یا نوشته یا مهر و امضای دیگری موضوع جعل می‌باشند، نظیر این موضوعات نیز همانند داده‌های الکترونیکی می‌تواند موضوع جعل قرار گیرند. بنابر این، بدون تصویب ماده ۷۳۴ قانون تعزیرات ۱۳۹۲ نیز می‌توانستیم تغییر در داده‌های الکترونیکی را مشمول جعل بدانیم؛ البته قانون‌گذار این اعمال را جعل محسوب کرده است (نه جعل)، شاید به این خاطر که تغییر در داده‌های الکترونیکی تغییر در اسناد نیست. به عبارت دیگر در واقعیت، آن‌چه تغییر می‌یابد اعداد و حروف نیستند، بلکه پالاس‌ها و فرگانس‌ها و فوتون‌ها هستند که تغییر می‌کنند. در مورد کارت‌های الکترونیکی مثل کارت سوخت، عابر بانک و مانند آن نیز می‌توان گفت: تغییر در سامانه‌ها یا سخت‌افزار این کارت‌ها از نوع نوشته و کاغذ و اعداد نیست و صرفاً تعویض و تعمیر قطعات الکترونیکی است و فی‌نفسه این اعمال جعل نیستند، بلکه از آن جهت که قابلیت تغییر یا ایجاد نوشته و اعداد در دستگاه را دارند، جعل به حساب می‌آیند؛ یعنی در زمان استفاده است که این کارت‌های دست‌کاری شده، داده‌های دستگاه کارت‌خوان را عوض می‌کنند و چون برخلاف حقیقت این داده‌ها عوض می‌شوند، آن زمان است که جعل واقع شده است. در واقع قانون‌گذار برای پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت بیشتر، دست‌کاری در این کارت‌ها را که حقیقتاً شروع به جعل است، جعل محسوب نموده است. بنابر این، ارتکاب این اعمال از شمول «نظایر این‌ها» مذکور در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. خارج است و مشمول همه آثار محکومیت به جرم جعل نمی‌باشد؛ هرچند در عمل این اقدامات ممکن است خطرناک‌تر از جعل باشند، زیرا خطر افرادی که کارت‌های شارژ یا الکترونیکی را دست‌کاری می‌کنند کم‌تر از جاعلین اسناد رسمی نیست و این افراد با تقلب، خواهان همان اثر کار خود یعنی اضرار به غیر هستند، لذا عنوان جعل شایسته‌تر است نه این که این اعمال را جعل به حساب آوریم. در قانون مدنی فرانسه، اسناد الکترونیکی معتبر، جزو اسناد و دلیل محسوب می‌شوند<sup>۱</sup> و این اسناد همچون اسناد کاغذی مورد جعل قرار می‌گیرند.

<sup>۱</sup>. Art. 1316-1: «A writing in electronic form is admissible as evidence in the same manner as a paper-based writing, provided that the person from whom it proceeds can be duly identified and that it be established and stored in conditions calculated to secure its integrity».

### ۳- انتساب به غیر

برای تحقق تقلب مرتکب بایستی سند برخلاف حقیقتی را به شخص دیگری منتسب کند. این عمل به دو شکل قابل تصور است: مرتکب سند را از ابتدا تا انتها می‌سازد و به دیگری منتسب می‌نماید؛ یا در سندی که منتسب به دیگری است، تغییری برخلاف حقیقت ایجاد می‌کند.

با بررسی مواد مرتبط با جعل اسناد به ویژه مقایسه‌ی ماده ۵۳۸ و ۵۳۹ ق.م.ا. می‌توان استفاده کرد که قانون‌گذار شرط انتساب به غیر را برای تحقق جعل لازم دانسته است، زیرا قانون‌گذار در ماده ۵۳۸ زمانی که فردی گواهی پزشکی را به نام طبیب می‌سازد از عنوان جعل استفاده می‌کند، اما در ماده بعدی زمانی که طبیب در سند خود برخلاف واقع گواهی می‌نماید از عنوان جعل استفاده نکرده است؛ علت این مهم عدم تحقق شرط انتساب به شخص دیگری است.

مواد ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱ با وجود این که ذیل فصل پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ تحت عنوان جعل و تزویر آمده‌اند، اما به لحاظ فقدان عناصر لازم، مشمول این جرم نیستند و گویا به دلیل شباهت و نزدیکی این جرایم به جعل، از آن جهت که اقدامات مذکور در این مواد با نوشته انجام می‌گیرند، در این فصل ذکر شده‌اند. قانون‌گذار ایران در موارد مشابه دیگری نیز به نادرستی از این روش استفاده کرده است، مانند موضوع ماده ۵۹۶ ق.م.ا. که جرم خاص سوءاستفاده از ضعف نفس مجبورین است، اما در ذیل فصل ۱۱ تحت عنوان ارتشاء، ربا، و کلاهبرداری ذکر شده که در ضمن هیچ‌یک از این عناوین قرار نمی‌گیرد.

#### ۳-۱- تحریف در سند منتسب به خود

شعبه‌ی ۲ دیوان عالی کشور دو رای به ظاهر متناقض در این خصوص صادر کرده است. این شعبه در مقدمه‌ی رای شماره ۱۵۹۱ مورخ ۱۳۱۷/۷/۹ به این شرح اظهارنظر کرده است: «جعل ملازمه با دخل و تصرف در نوشته‌ی دیگری ندارد و ممکن است کسی در نوشته خود جعل کند و عمل متضمن ضرر دیگری شود، مثلاً اگر کسی قراردادی با یک کمپانی منعقد کند و سپس نام شخص دیگری را در آن الحاق و به او چنان وانمود کند که قرارداد را بین او و کمپانی منعقد کرده است و به این وسیله اجناسی از او بگیرد و به کمپانی تحویل دهد و وجه حاصله را به نفع

خود برداشت کند، گرچه در قراردادی که خودش نوشته است الحاق کرده عمل او جعل محسوب است.<sup>۱</sup> به این ترتیب بر اساس این رای، جعل ملازمه‌ای با دخل و تصرف در نوشته‌ی دیگری ندارد. اما موردی که به عنوان نمونه در رای بیان می‌شود، متناقض با مفهوم منظور می‌باشد، زیرا در این رای سند صرفاً منتسب به مرتکب نیست، بلکه منتسب به مرتکب و کمپانی است. بنابراین این حتی از این رای می‌توان نتیجه گرفت که سند بایستی منتسب به دیگری باشد.

همین شعبه، در رای دیگری به شماره ۶۰۳ مورخ ۱۳۱۹/۲/۳۱ اظهار داشته است: «اگر کسی رسیدی به خط و امضای خود ارائه بدهد و مدعی شود که سابقاً در قبال تحویل گرفتن جنسی به دیگری داده و پس از رد جنس به صاحب آن رسید مزبور را از او گرفته است، جعل درباره آن صادق نیست. مثلاً اگر صاحب مغازه برای تعمیر، چرخ خیاطی دیگری را بگیرد و سپس مدعی رد آن به صاحبش شود و دلیلش رسیدی به خط و امضای خود باشد و بگوید این رسید را موقع اخذ چرخ به صاحب آن داده بودم و موقع رد چرخ این رسید را از او گرفته‌ام و صاحب چرخ منکر گرفتن و رد رسید مذکور گردد، عنوان جعل در نوشته مذکور صدق نمی‌کند گرچه خیانت در امانت صاحب مغازه احراز شود».<sup>۲</sup> در این رای مرتکب، سند را به دیگری نسبت نداده است، بلکه امر خلاف حقیقتی را به خودش نسبت داده است، به همین دلیل عمل او جعل نیست.

همین‌طور زمانی که خوانده‌ی پرونده‌ای، قبل از تشکیل جلسه‌ی اول دادرسی، لایحه‌ای تنظیم و پس از ثبت دفتر دادگاه، ضمیمه پرونده نماید و پس از تشکیل جلسه دادرسی با مراجعه به دفتر دادگاه و بدون اجازه قاضی در لایحه‌ی خودش تغییری ایجاد کند، مرتکب جعل نشده است؟ زیرا هرچند در نگاه اول، پس از دستور قاضی به ثبت در ذیل لایحه، متن لایحه مورد توافق خوانده و قاضی دادگاه می‌باشد، ولی باید این نظر را با تکلف قبول کرد، زیرا هرگز لایحه‌ی خوانده، توافق مشترک و منتسب به خوانده و قاضی نمی‌باشد و تغییرات بعدی در لایحه اگرچه ممکن است پیام سند را عوض کند، اما این سند صرفاً منتسب به خوانده است.

در حقوق انگلستان نیز به وجود این عنصر توجه شده است. به موجب بند «a» ماده ۹ قانون جعل ۱۹۸۱ «یک مدرک زمانی متقلبانه است که وانمود کند توسط فردی ساخته شده؛ در

<sup>۱</sup>. مصالایی، پیشین، ص ۲۰۷.

<sup>۲</sup>. متین، احمد، پیشین، صص ۱۹۹-۱۲۰.

صورتی که آن شخص آن را نساخته است»<sup>۱</sup>. در حقیقت برای جعلی دانستن مدرک، سازنده باید آن را به غیر منتسب نماید.

### ۲-۳- وجود یا عدم وجود منتسب‌الیه سند

در قانون ایران به صراحت به این موضوع پرداخته نشده است و در رویه‌ی قضایی دو رای متناقض از شعبات دیوان عالی کشور در این مورد وجود دارد:

شعبه ۵ دیوان عالی کشور در رای شماره ۳۴ مورخ ۱۳۱۸/۱/۲۴ مقرر می‌دارد: «یکی از ارکان جعل و بالتبع تحقق عنوان استفاده از سند مجعول، وجود خارجی شخصی است که ورقه به نام او جعل شده و امکان توجه ضرر است به منتسب‌الیه، و مادام که مراتب مذکور مدلل نشود قضیه عنوان استفاده از سند مجعول را نخواهد داشت. بنابر این، اگر مامور دولت با جعل اوراقی به اسم اشخاص مجهول مرتکب سوءاستفاده از مال دولت شود فقط مجازات کلاهبرداری را خواهد داشت»<sup>۲</sup>. این در حالی است که شعبه ۲ دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۶۲۵ مورخ ۱۳۱۹/۵/۲۶ مقرر داشته است: «معروفیت و وجود خارجی داشتن کسی که امضا به نام او ساخته می‌شود به طور مطلق شرط تحقق جعل نمی‌باشد و ممکن است در پاره‌ای موارد بدون معروفیت او هم عمل ارتكابی جعل محسوب شود، مثلا اگر دفتریار دفترخانه اسناد رسمی، سند مالکیت کسی را بگیرد که به خریدار شرطی نشان دهد و خود سندی به اسم مالک جعل و وجهی از خریدار شرطی دریافت کند، گرچه امضای مجعول به اسم مجهول دیگری غیر اسم مالک خوانده شود عمل جعل محسوب است چون امضای مورد دعوای جعل به عنوان این که امضای فروشنده است ساخته شده»<sup>۳</sup>.

کدام یک از دو رای بالا صحیح است؟ آیا اختلاف رای به لحاظ اختلاف نظر قضات رای‌دهنده‌ی آنهاست؟

<sup>۱</sup>. 9.- «(1) An instrument is false for the purposes of this part of this Act

(a) if it purports to have been made in the form in which it is made by a person who did not in fact make it in that form ...».

<sup>۲</sup>. مصالایی، پیشین، ص ۲۲۴.

<sup>۳</sup>. همان.

این پرسش را با بیان دو مثال ساده پاسخ می‌گوییم: اول مثال فردی است که سهام شرکت موهومی را با نام شخص موهومی می‌سازد. این سهام ساختگی تحقیقا در زمان ایجاد، علیه هیچ شخصی حق یا تکلیفی را اثبات یا نفی نمی‌کند، پس جعل واقع نشده است؛ مگر در زمان استفاده که در این صورت ممکن است جرم دیگری واقع شود، بدون این که لزوما جرم جعل اتفاق افتاده باشد. دوم موردی است که مثلا دولت برای به ثبت رساندن املاک و دادن سند رسمی به متصرفین مالک آن‌ها اعلام کند هر کس دارای بنچاق است، می‌تواند درخواست سند ثبتی کند و برای ملک متصرفی خود از اداره ثبت اسناد و املاک سند بگیرد؛ لذا اگر متصرف ملکی که این ملک داخل در اراضی ملی است، بنچاقی به نام موهوم ایجاد و بر اساس آن اظهارنامه‌ی ثبتی برای خود تنظیم کند، مرتکب جعل شده است، زیرا سند بنچاق در زمان تنظیم علیه دولت سندیت دارد. بنابر این، نمی‌توان علی‌الاطلاق گفت تنظیم سند به نام اشخاص موهوم جعل است یا خیر؛ بلکه بستگی به مورد دارد؛ اگر سندیت داشته باشد، جعل خواهد بود. برخلاف نظر برخی از حقوق‌دانان که معتقدند «مستند بودن یا قابلیت ترتیب اثر داشتن نوشته‌ی مقلوب از شرایط مستقل و عناصر متشکل بزه جعل محسوب نمی‌شود بلکه شامل شرایط لازم برای تحقق رکن ضرر می‌باشد»<sup>۱</sup>، سندیت از عناصر لازم برای تحقق جعل است، زیرا در هر دو مثال بالا به نام اشخاص موهوم، سند ساخته شده و از این راه ضرر هم واقع شده است، ولی چون در مثال اول مفاد سند موهوم علیه کسی قابل استناد نیست از مفهوم جعل خارج است، هرچند در زمان استفاده ممکن است، موجب ضرر دیگری گردد که از این جهت صرف وقوع ضرر کافی برای تحقق جعل نیست؛ ولی در مثال دوم سند موهوم علیه دولت قابل استناد است، به این خاطر که متصرف خود را مالک اراضی ملی دانسته است، بنابر این جعل محقق می‌گردد.

در انگلستان بند «h» ماده ۹ قانون جعل ۱۹۸۱ مقرر داشته است: «اگر سند ساخته شده یا تغییر داده شده وانمود کند که به وسیله شخصی موجود تنظیم شده اما او در حقیقت وجود نداشته مدرک جعلی است»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> سالاری شهرابی، میرزا مهدی، «نظریه خسارت در جعل»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۶، دوره ۱۱، شماره ۲، ص ۱۷.

<sup>۲</sup> «(h) if it purports to have been made or altered by an existing person but he did not in fact exist».



در حقوق جنایی ایالت کالیفرنیا نیز «اگر شخصی مدرک متقلبانه تنظیم کند و در این سند وانمود کند یک سند معتبر از سازنده‌ی واقعی است، در صورتی که در عالم واقع این طور نیست و سازنده، واقعی یا موهوم است یا اگر هم واقعی است اجازه‌ی تنظیم سند را ندارد، مرتکب جعل سند شده است»<sup>۱</sup>.

در حقوق هر دو کشور فوق اهمیت ندارد منتسب‌الیه سند وجود داشته باشد یا خیر؛ حتی صرف ساختن سند جعلی منتسب به شخص موهوم هم جرم جعل است.

### ۳-۳- امضای سند از طرف صاحب امضا بدون اذن او

در این خصوص دو فرض را می‌توان در نظر گرفت:

اول- حالتی که فرد سند را امضا و ادعا می‌کند آن را منتسب‌الیه سند امضا کرده است. بدیهی است اگر ادعای او حقیقت نداشته باشد، جرم جعل واقع شده است.

دوم- حالتی که فرد سندی را تنظیم می‌کند و با قید «از طرف» صاحب سند، آن را امضا و ادعا می‌کند از جانب او چنین اجازه‌ای داشته است؛ در صورتی که در حقیقت چنین اجازه‌ای نداشته است. در این مورد باید گفت فرد با وجود این که امضا را منتسب به غیر نمی‌کند، اما سند را منتسب به غیر می‌کند. در مقام تحلیل، وضعیت حقوقی این شخص در حالتی که یک سند رسمی را به نام صاحب منصبی امضا می‌کند، با حالتی که سندی عادی را به نام شخص معمولی امضا می‌کند متفاوت است. در مورد اول مردم به سند رسمی اعتماد می‌کنند و آن را منتسب به دولت می‌دانند، بنابر این جعل محقق می‌گردد؛ ولی در حالت دوم سند عادی که شخص «از طرف» امضا می‌کند مردم به آن اعتماد نمی‌کنند و این سند قابلیت فریب مردم را ندارد، لذا عمل ارتكابی به علت فقدان این عنصر جعل نیست.

<sup>1</sup>. California Criminal Law: «Falsely Make» A person falsely makes a written instrument when he makes or draws a complete written instrument in its entirety, or an incomplete written instrument, which purports to be an authentic creation of its ostensible maker or drawer, but which is not such either because the ostensible maker or drawer is fictitious or because, if real, he did not authorize the making or drawing thereof.

Brenne, Susan W., «Is There Such as Virtual Crime?», California Criminal Law Review, 2001, p. 122.

در حقوق انگلستان با لحاظ بندهای «a»، «b»، «c»، «d»، «e» و «f» ماده ۹ قانون جعل ۱۹۸۱، دو روش برای ساختن مدرک جعلی در نظر گرفته شده است:

اول: گاهی مرتکب مدرکی را خلق می‌کند و یا تغییری در مدرک ساخته شده ایجاد می‌کند و با این مدرک وانمود می‌کند صاحب مدرک (منتسب‌الیه مدرک) آن را ساخته یا تغییر داده است.

دوم: گاهی مرتکب مدرکی را خلق می‌کند و یا تغییری در آن ایجاد می‌کند و با این مدرک وانمود می‌کند با اجازه‌ی صاحب مدرک آن را تنظیم یا تغییر داده شده است.<sup>۱</sup> در حقوق انگلستان، در صورت استفاده از هر یک از دو روش بالا، مرتکب به مجازات جعل محکوم خواهد شد.

#### ۴- فریب

زمانی که فردی سند یا نوشته‌ای را جعل می‌کند، به دنبال آن است که فرد یا افرادی به مدرک جعلی اعتماد کنند و آن را از جانب منتسب‌الیه بدانند. برای حصول این منظور، نیاز به فریب یا به اشتباه انداختن مخاطب سند است. در قانون مجازات اسلامی ذکر از فریب نشده است اما قانون‌گذار در انتهای ماده ۵۲۳ از عبارت «قصد تقلب» استفاده کرده است که متضمن فریب یا به اشتباه انداختن نیز می‌باشد؛ به این معنی که مردم چیز نادرست را نوعاً درست قلمداد کنند.

در آرای دیوان عالی کشور نظرات متفاوتی در خصوص این موضوع تحت عنوان شبیه‌سازی یا مشتبه‌سازی وجود دارد که به شرح آن می‌پردازیم:

برخی آرا شبیه‌سازی را برای تحقق عنوان جعل شرط دانسته‌اند:

<sup>۱</sup>. «An instrument is false for the purposes of this part of this Act-  
 (a) if it purports to have been made in the form in which it is made by a person who did not in fact make it in that form; or  
 (b) if it purports to have been made in the form in which it is made on the authority of a person who did not in fact authorise its making in that form; or  
 (c) if it purports to have been made in the terms in which it is made by a person who did not in fact make it in those terms; or  
 (d) if it purports to have been made in the terms in which it is made on the authority of a person who did not in fact authorise its making in those terms; or  
 (e) if it purports to have been altered in any respect by a person who did not in fact alter it in that respect; or  
 (f) if it purports to have been altered in any respect on the authority of a person who did not in fact authorise the alteration in that respect».

هیات عمومی دیوان عالی کشور در حکم شماره ۸۱۱۸-۳۳۳-۱۳۲۶/۱/۳۱ مقرر می‌دارد: «جعل و تزویر که مطابق ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت؛ در صورتی محقق می‌شود که در نوشتن نوشته یا سند شبیه‌سازی رعایت شده و مشابهتی موجود باشد به طوری که ممکن باشد برای اشخاصی که سواد خواندن دارند در بادی نظر اسباب اشتباه شود و نوشته عادی که شبیه‌سازی در آن رعایت نشده عنوان ساختن نوشته یا سند بر آن صادق نیست و مشتبه شدن بر اشخاص که شاید سواد خواندن اوراق و تمییز دادن نوشته‌ی شبیه و غیر شبیه را ندارند مناط صدق جعل نوشته نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

برخی آرا تنها شباهت جزئی را در جعل شرط دانسته‌اند:

شعبه ۲ دیوان عالی کشور در رای ۱۳۱۴ مورخ ۱۳۱۸/۶/۱۹ مقرر می‌دارد:

«جعل عبارت است از ساختن نوشته یا امضا یا مهر دیگری برخلاف حقیقت و شباهت تام آن‌ها با خطوط و امضا و مهر اصلی، در هیچ یک از مواد مربوطه‌ی جعل شرط و رکن اساسی جعل شمرده نشده و شباهت جزئی چیزهای ساختگی با اصول آن در بادی نظر کافی است که جعل مصداق خارجی پیدا کند. از تعریفی که در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی برای اقسام جعل شده لزوم شباهت تام امضای جعلی یا خط جعلی با امضا و خط اصلی استفاده نمی‌شود و همین قدر که برخلاف حقیقت ساخته شده کافی برای صدق عنوان جعل خواهد بود و...»<sup>۲</sup>.

برخی آرا نیز اساساً شبیه‌سازی را برای جعل شرط ندانسته‌اند:

شعبه ۵ دیوان عالی کشور در رای شماره ۷۰۱۳-۲۸۵-۱۳۱۶/۱۰/۴ مقرر می‌دارد:

«تراشیدن اسم و اسم پدر کسی از سندی و نوشتن اسم خود و اسم پدر خود به جای آن به قصد این که در آتیه از آن استفاده کند مشمول ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی است و عنوان جعل بر آن صدق می‌کند ولو این که تغییراتی که داده شده به طور ظاهری و واضح باشد که در بادی نظر هم آن تغییرات محسوس گردد، زیرا شبیه نوشتن در ماده مزبور یا جای دیگر قید نگردیده و شرط صدق عنوان جعل قرار داده نشده است»<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup>. مصالایی، پیشین، ص ۲۰۶.

<sup>۲</sup>. متین، پیشین، ص ۱۱۶.

<sup>۳</sup>. مصالایی، پیشین، ص ۲۰۹.

کدام یک از این سه نظر موافق نظر قانون گذار است؟ در واقع پرسش اصلی این است که آیا در تقلب، مانند جعل در اسکناس، نیاز به شبیه سازی داریم؟ یا مشابه سازی برای تحقق عنوان جعل کافی است؟ برای مثال فردی بدون آن که اصل امضای قربانی را دیده باشد، امضایی را ذیل چک او نقاشی کند و آن را به او منتسب کند.

در پاسخ باید گفت: «اگر سند به گونه ای تنظیم شود که بتواند این تصور را ایجاد کند که این سند متعلق به منتسب الیه این سند است برای تحقق جعل کافی خواهد بود»<sup>۱</sup>. و این امر ملازم با اشتباه انداختن است که «نوعی» است، به جز موارد خاص مثل جعل اسکناس یا تمبر که شبیه سازی شرط است. بنابر این، برای تحقق جعل، مرتکب بایستی مردم را فریب دهد تا مدرک جعلی را به عنوان اصل قلمداد نمایند<sup>۲</sup>. با این وصف، چنانچه مدرک مجعول شبیه اصل خود نباشد و یا اساساً اصلی برای آن وجود نداشته باشد، جعل واقع نخواهد شد.

### تحریف در کپی

چنانچه فردی از مدرک کارشناسی خود کپی رنگی بگیرد و سپس بر روی کپی عنوان کارشناسی را به کارشناسی ارشد تبدیل، و از آن کپی تهیه کند و آن را برای استخدام به اداره ای بفرستد، آیا این مورد می تواند مصداق جعل باشد؟

البته ممکن است این ایراد مطرح گردد که تحریف باید در سند اصل واقع گردد، در صورتی که فتوکپی این ویژگی را ندارد. شاید به همین خاطر است که اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه ی شماره ۷/۴۹۰۲ مورخ ۱۳۶۸/۹/۱۲ مقرر داشته است: «با توجه به ماده ۲۰ قانون تعزیرات و تعریف آن، جعل فتوکپی اسناد رسمی و عادی و استفاده از آن، جعل جزایی محسوب نمی شود لیکن چنانچه فتوکپی اسناد اعم از عادی و رسمی تصدیق شده باشد جعل در آن ها و استفاده از آن جرم محسوب می شود»<sup>۳</sup>. البته متعاقباً اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه ی مشورتی

<sup>۱</sup>. آزمایش، علی، تقریرات جزای اختصاصی (کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد مشهد ۱۳۷۷، ص ۱۷۴.

<sup>۲</sup>. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی) تهران: نشر میزان، چاپ ۱۳، ۱۳۸۸، ص ۲۹۲.

<sup>۳</sup>. مصالایی، پیشین، ص ۲۱۲.

دیگر به شماره ۷/۹۰۶۷-۱۱/۱۱/۱۳۸۲ نظریه‌ی قبلی خود را اصلاح و اعلام نموده است: «نظر به این که در بسیاری از ادارات و مراجع از تصویر اسناد و مدارک استفاده و به آن استناد می‌شود، جعل در تصویر این قبیل اسناد و مدارک، مانند جعل در تصویر شناسنامه، جرم و مشمول ماده ۵۲۳ ق.م.ا. است»<sup>۱</sup>.

در تعلیل نظر اخیر می‌توان گفت: زمانی که فرد به جای این که با دست، سند جعلی را بسازد و یا این که بخشی را با دست نقاشی کند و بخشی دیگر را با رایانه اسکن نماید، به وسیله‌ی دستگاه جزء یا تمام آن را تغییر دهد یا بسازد، به طوری که مشتبّه گرداند که کپی منتسب به منتسب‌الیه سند اصیل باشد، بایستی آن را نیز جعل دانست؛ در واقع میان این که با دست سندی بسازیم و یا این که با ابزار یا دستگاه و مدیریت خود این کار را انجام دهیم، فرق منطقی که متضمن آثار حقوقی متمایزی باشد، وجود ندارد.

## ۵- اضرار

«مفهوم عرفی ضرر بدین معناست که نقص در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت شخص لطمه وارد آید»<sup>۲</sup>. با لحاظ وجود واژه‌ی تقلب در تعریف جعل می‌توان ضرر را یکی از عناصر تقلب دانست، زیرا کسی که به دنبال دخل و تصرف در پیام سند برای دیگران است، هدفی جز ضرر زدن به دیگری نخواهد داشت. ضرر را می‌توان به دو نوع مادی و معنوی تقسیم نمود. ماده ۹ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ به ضرر و زیان معنوی اشاره نکرده و تنها ضرر مادی و منافع ممکن‌الحصول را قابل مطالبه اعلام کرده است؛ باوجود این، اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱، ۲، ۹ و ۱۰ ق.م.م. مصوب ۱۳۳۹ ضرر معنوی را به رسمیت شناخته‌اند. به عبارتی، قابلیت مطالبه‌ی ضرر معنوی هم‌چنان به قوت خود باقی است و مسلماً نسخ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ به اعتبار قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹

<sup>۱</sup> حجتی، سیدمهدی؛ با همکاری یاری، مجتبی، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، تهران: میثاق عدالت، چاپ ۱، ۱۳۸۴، ص ۸۵۲.

<sup>۲</sup> کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۳۸.

راجع به پذیرش ضرر معنوی خدش‌های وارد نمی‌کند. از سوی دیگر، ماده ۹ ق.آ.د.ک. در مقام بیان ضررهای قابل مطالبه بوده است نه در مقام به رسمیت نشناختن ضرر معنوی. لذا صرفاً مستند به این ماده اگر ضرر معنوی هم‌زاد و ناشی از جرم باشد در دادگاه کیفری قابل مطالبه نیست. قانون‌گذار در قسمت پایانی ماده ۵۲۳ ق.م.ا. از عبارت «قصد تقلب» استفاده کرده که در واقع در مقام بیان این مطلب است که این جرم با قصد خاص واقع می‌شود و منصرف از تحقق یا عدم تحقق نتیجه است. از این حیث ضرر ممکن است بالفعل یا بالقوه باشد. قصد تقلب که ملازم با قصد و قابلیت ضرر است اولاً جنبه‌ی عمومی بودن جرم جعل را از حیث شروع به تحقیقات، به جنبه‌ی خصوصی تبدیل و تعقیب جاعل اسناد عادی را منوط به شکایت شاکی خصوصی می‌کند؛ چه بسا اگر شاکی خصوصی شکایت نکند و یا به هر علتی خود را متضرر از جعل اعلام نکند در وقوع جرم جعل تردید می‌شود؛ هرچند در خصوص اسناد رسمی، دادستان (مدعی‌العموم) بی‌نیاز از درخواست یا اعلام شکایت هر شخصی، صلاحیت تعقیب کیفری جاعل اسناد رسمی را دارد. ثانیاً صرف قصد ضرر کافی نیست بلکه برای تحقق تقلب، سند باید قابلیت اضرار داشته باشد؛ اگر سندی فاقد این عنصر باشد، حتی اگر مردم ضرر کنند، جعل محقق نخواهد شد، زیرا ضرر ناشی از خود سند نبوده، بلکه ناشی از عوامل شخصی، چون ساده‌لوحی و یا اغفال مخاطب بوده است، مثل تحریف در امور فرعی سند که به اساس سند لطمه‌ای نمی‌زند<sup>۱</sup>.

در قانون جزای فرانسه مصوب ۱۸۱۰ در مواد مرتبط با جعل اسناد به صراحت از واژه‌ی ضرر استفاده نشده، و به جای آن واژه‌ی «frauduleusement» به کار رفته که به معنای تقلب است. با این حال ماده ۱-۴۴۱ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ در تعریف جعل به صراحت «ضرر» را برای تحقق جرم جعل لازم دانسته است.

در انگلستان ماده ۱ قانون جعل ۱۹۸۱ تحقق ضرر را به صراحت از ارکان جعل دانسته است. ماده ۱۰ همین قانون ضرر را چنین تعریف می‌کند: «ضرر اعم است از: از دست دادن دایمی یا موقت سرمایه؛ محروم کردن فرد از فرصت کسب سود مالی؛ به دست آوردن فرصت کسب سود

<sup>۱</sup> سلیمان‌پور، محمد، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۴۱، ص ۹۴.

برای مرتکب یا غیر او؛ و پذیرش سند جعلی به عنوان اصلی یا کپی سند مجعول به عنوان کپی سند اصیل»<sup>۱</sup>.

### نتیجه گیری

تقلب از مقومات جعل اسناد است؛ به گونه‌ای که در صورت عدم تحقق یکی از عناصر تقلب شامل استناد، برخلاف حقیقت، انتساب به غیر، فریب و اضرار جعل واقع نمی‌گردد. سند باید در لحظه‌ی ایجاد علیه شخصی سندیت داشته و بتواند پیامی را منتقل کند، به همین خاطر صرف ساختن یا شبیه‌سازی امضا در کاغذ سفید جعل محسوب نمی‌شود. در مقابل اگر الحاق حرف، کلمه یا عبارتی در سند متضمن انتقال پیام باشد و علیه کسی سندیت داشته باشد جعل محقق می‌گردد. برخلاف حقیقت، گاهی در مفاد سند و گاهی در شکل سند و گاه در هر دو نمود می‌یابد. زمانی که صرفاً شکل سند برخلاف حقیقت باشد، جعل محسوب نمودن آن مورد تردید است، اما می‌توان گفت اگر سند، رسمی یا تجاری باشد، جعل محقق می‌شود، زیرا اسناد رسمی و تجاری جدا از مفادشان دارای ارزش و امتیاز حقوقی می‌باشند. در اسناد عادی به استثنای اسناد تجاری، اگر تنها شکل سند برخلاف حقیقت باشد، جعل محقق نخواهد شد، زیرا این اسناد جدا از مفادشان ارزش حقوقی ندارند. بنابر این، برای تحقق جعل در اسناد عادی علاوه بر شکل آن‌ها،

<sup>۱</sup>. «(1) Subject to subsections (2) and (4) below, for the purposes of this part of this Act an act or omission intended to be induced is to a person's prejudice if, and only if, it is one which, if it occurs-

(a) will result-

(i) in his temporary or permanent loss of property; or

(ii) in his being deprived of an opportunity to earn remuneration or greater remuneration; or

(iii) in his being deprived of an opportunity to gain a financial advantage otherwise than by way of remuneration; or

(b) will result in somebody being given an opportunity-

(i) to earn remuneration or greater remuneration from him; or

(ii) to gain a financial advantage from him otherwise than by way of remuneration; or

(c) will be the result of his having accepted a false instrument as genuine, or a copy of a false instrument as copy of a genuine one, in connection with his performance of any duty».

باید مفادشان نیز برخلاف حقیقت باشد. برای تحقق تقلب در جعل سند، مرتکب بایست سند را جزئا یا کلا منتسب به غیر نماید. به همین دلیل خواننده‌ای که در لایحه‌ی تنظیمی خود بعد از ثبت در دفتر دادگاه بدون اجازه‌ی قاضی تغییر ایجاد می‌کند، مرتکب جعل نشده است. صغیر یا مجنون بودن مانع از تحقق عنصر انتساب نخواهد بود اما در این فرض برای تحقق جعل در لحظه‌ی ایجاد، سند باید علیه شخصی سندیت داشته باشد، در غیر این صورت جعل محقق نمی‌گردد. در تقلب لازم است نوعا افراد به صورت مستقیم به اسناد اعتماد کنند، در غیر این صورت اگر به واسطه‌ی تغییرات در سامانه‌ی سخت‌افزاری کارتهای الکترونیکی ضرری واقع شود، در حکم جعل است. ساختن سند با دست یا با دستگاه تأثیری در قابلیت مشتبه‌سازی سند ندارد و تفاوتی میان این دو نیست و به همین دلیل کپی دست‌کاری شده هم می‌تواند سند مجعول باشد. با توجه به عبارت «قصد تقلب» در قسمت پایانی ماده ۵۲۳ ق.م.ا. نیاز به تحقق نتیجه‌ی ضرر نیست. موضوع تقلب در جعل اسناد با توجه به معنای لغوی و عام سند، مدرک است که شامل عکس و تصاویر تقلبی نیز می‌شود که در حقوق انگلستان مورد توجه قرار گرفته است.

## منابع

- ۱- آزمایش، علی، تقریرات جزای اختصاصی (کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۷۷.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران: انتشارات میزان، چاپ ۲۱، ۱۳۸۸.
- ۳- الجسر الواطی، سن الفیل، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت: المکتبه المشرقیه، چاپ ۱۴، ۲۰۰۵.
- ۴- الموسوی خویی، سیدابولقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، جلد ۳، بیروت: دار الهادی، چاپ ۱، ۱۹۹۲.
- ۵- حجتی، سیدمهدی؛ با همکاری یاری، مجتبی، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، تهران: میثاق عدالت، چاپ ۱، ۱۳۸۴.
- ۶- سالاری شهربابکی، میرزامهدی، «نظریه خسارت در جعل»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۲، ۱۳۸۶.
- ۷- سلیمان‌پور، محمد، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۴۱.



- ۸- عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۸، ۱۳۵۷.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ۱۰، ۱۳۸۵.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ ۴، ۱۳۸۵.
- ۱۱- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴.
- ۱۲- متین، احمد، مجموعه رویه قضایی (قسمت کیفری) - مجموعه آرای شعب و هیئت عمومی دیوان عالی کشور، تهران: آفتاب، ۱۳۳۰.
- ۱۳- مصالایی، علیرضا، قانون مجازات اسلامی در آرای دیوان عالی کشور، چاپ ۲، تهران: نشر آیلا، چاپ ظفر، ۱۳۸۱.
- ۱۴- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی) تهران: نشر میزان، چاپ ۱۳، ۱۳۸۸.
- 15- Brenne, Susan W., «Is there Such as Virtual Crime?», California Criminal Law Review, 2001.
- 16- Gopi, E. S., Digital Image Forgery Detection Using Artificial Neural Network and Independent Component Analysis, Elsevire, Applied Mathematics and Computation, 2007.
- 17- Grobosky, Peter, Technology, and Organized Crime, Asian Criminology, 2007.
- 18- Mahdian, Babak Stanislav Saic T., Detection of Copy-Move Forgery Using A Method based on Blur Moment Invariants, Elsevier, Forensic Science International, 2007.
- 19- Shumaker Elisabeth, A Clerk of Court, Filed UNITED STATES COURT of APPEALS for the Tenth Circuit, 2009.
- 20- J. E. Mansion, M.A., London, Harraps New Standard French and English Dictionary, 1974.

#### قوانین

- ۲۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.
- ۲۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۳- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.

۲۴- قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹.

25- Code penal de 1810.

26- Code penal de 1992.

27- Civile code 2004.

28- Forgery and Counterfeiting Act 1981.

29- Model Criminal Code Officer Committee of the Standing Committee of Attorneys -General 1995.